

حقوق بشر و مفاهیم هویت، زبان و اتنیک در افغانستان

امروز 10 دسامبر روز تجلیل از روز جهانی حقوق بشر و بزرگداشت از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 1948 سازمان ملل متحد است.

در صبحگاهان آرام امروز یکشنبه که برف میبارید، چشمانم بر دانه های برف خیره بود که رقصیده و چرخیده بسوی زمین میآمدند و ورود روز های سرد زمستان را هوشدار میدادند. سکوت در روح و روان مرا یکبار دیگر به روز های خوش جوانی و گذشته های آرام آن دوران برد و حوس و حسرت آن روز های آرام و بدون جنگ در شهری که در آن زاده شدم، به جوانی رسیدم، در وجودم زنده شدند. ولی جنگ لعنتی که قریب به 20 زندگی ام به به انبوه محرومیت ها گذشت و در یک لحظه خاطرات بد و خونین آن در ذهنم یکبار دیگر تداعی گردید که در آنروز ها شهرکابل با باران راکت های کور سکر، بم گذاریها در محلات مزدحم شهر و اصابت راکت در مارکیت ها، و هم زمانی جنگ های وحشناک کابل و اکنون حملات وحشیان با بم های انتحاری که چگونه حق زنده گی هم وطنان ما از آنها گرفته میشد و هنوز این حق با بیرحمانه ترین شیوه های که در تاریخ بشر تکرار نگریده اند، تلف میگردد و اتلاف آنرا هنوز پایانی نیست.

واژه های حق زنده گی، حق آزادی و حق و امنیت شخصی سه مفاهیم برجسته و اساسی اند که در سرخط اعلامیه جهانی حقوق بشر تذکر یافته اند. اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 1948 ملل متحد را به تحلیل گیریم چند مفهوم دیگری اند که این سه واژه یا مفاهیم اصلی را تکمیل و آنها را در فرعیات به توضیح میگیرند. این مفاهیم عبارت اند از "

حق یکسان بحیث اساس آزادی، عدالت و صلح که در تقابل با تحقیر حقوق، ترس و ارعاب و اعمال وحشیانه قرار میگردند.

اساس عدالت مربوط میشود به حمایت مفاهیم بالا بر مبنای اجراً یا تطبیق بدون استثنای و یکسان قانون بالای افراد اجتماع. تطبیق بلا انحراف همه مفاهیم بالا مربوط میشوند به تعلیم و تربیت اجتماع مبنی بر رعایت، احترام این حقوق و آزادیها.

وقتی من متن اعلامیه جهانی حقوق بشر را یکبار دیگر از نظر گذشتادم، همین خلاصه را از آن برداشت نمودم و اکنون با شما خواننده گرامی پیشکش نمودم

من در گذشته ها مقالات را پیرامون حقوق بشر و روز جهانی حقوق بشر نوشته و به نشر رسانیده ام ولی امروز میخواهم جرئت نمایم که این حقوق را در یک بیان ساده با مفاهیم حق داشتن هویت، زبان، مذهب و فرهنگ و دیگر داشته های پر ارزش اجتماعی در کشور با کثرت قوم ها، زبان ها و سایر ارزش های کلتوری و فرهنگی ارتباط داده روی آن مکتبی نمایم.

در این سالهای اخیر دیگر زیاد گفته شده است که حقوق بشر در کشور با شدید ترین شیوه آن پایمال و تلف میگردد و عمداً، گستاخانه و با پروئی مورد تمسخر قرار داده میشوند. در شرایط موجود ممکن صد ها نهاد، حلقه و سازمانهای سیاسی و اجتماعی اند که گویی بالای صندوق ایستاده و اعلام موجودیت نموده اند که در این صندوق همین حقوق بشر قفل شده است و مانند صندوق سحر و جادو بر رخ دیگران کشیده میشود و از برگشت آن در آینده ها به جامعه افغانستان بشارت داده میشود. بیگانه از واقعیت نیست که متأسفانه موجودیت صد ها نهاد و شعار های حقوق بشر بالای شانه های مردم مظلوم گرانیگی میکند و ملت از آنها "می غمد". عکس العمل های رسمی و سمبولیک نهاد های حقوق بشر در برابر خشن ترین حوادث ضد بشری و نقض حقوق بشر برای جامعه افغانی ما دیگر خسته کننده به نظر میخورند.

اصل موضوع تحریر این مقاله در آن است که ما برای خود و بخاطر خود و بالای خود چگونه میتوانیم در پذیرش، رعایت و احترام و مفاهیم حقوق بشر در ملت واحد خود و جامعه با کثرت قوم، مذهب، زبان و کلتور ادای مسئولیت ملی و وطنی نمایم و همچنان تعلیم و تربیت آنرا جز کرکتر اجتماعی خویش قرار دهیم.

قوم:

افغانستان کشوریست با کثرت قومی. هر قومی در این کشور حق زنده گی دارد. تاریخ آن، از موجودیت تا انکشاف و تکامل آن به حیث یک کتله بزرگ و در یک خطه معین، یک واقعیت انکار ناپذیر جامعه افغانی ماست. ایجاد سرحدات نتیجه اهداف سیاسی غیر مشروع شاهان قدرت و توسعه طلب بوده که قوم ها را در مقطع های مختلف تاریخی از هم جدا ساخته اند. در نتیجه جدائی این اقوام هر کدام با روان اجتماعی همان کشور خویش رلا وفق داده و دیگر مردمان دو کشور با خصوصیات روان اجتماعی متفاوت خود و اتنیک خویش را شکل داده اند. واقعیت دیگر تاریخ تکامل بشر مهاجرت های طبیعی بوده که گروه های کوچک انسانی در طول تاریخ به سیر دریا ها، دره ها و مناطق سبز و حاصلخیز مهاجرت نموده و در یک خطه مطلوب متوطن گردیده اند که در سیر زمان به مجامع بزرگتر مانند قوم تشکل و تکامل یافته اند.

در سالهای اخیر تعداد از افراد در برآمد های سیاسی از این واقعیت های عینی و مبتنی بر دیدگاه های سیاسی، تنگنظرانه و سمپاتی با و انتی پتی با دستگاه حاکمه انکار میکنند و یکی دیگری را به مهاجر و غیر افغان توصیف میکنند.

مفاهیم حقوق بشر و توضیح حقوقی آن این مسأله را مدلل میسازد که هر قومی از ساکنان کشور بحیث ساکنان اصیل در طول در طول یک تاریخ معین در خطه های مختلف افغانستان زنده گی نموده اند. آنان بدون استثنا و تمایز حق زنده گی یکسان را داشته و حق انکشاف متوازن و بهره مند شدن از تمام نعمات مادی جامعه افغانی ما را دارا هستند.

در کشور با کثرت اقوام نمیتواند موضوع اکثریت ها و اقلیت ها مطرح باشند و نه باید با ارقام و آمار هنوز نا تثبیت شده، تثبیت هویت نمود و هویت تاریخی دیگران را مورد سوال قرار داد. برخورد مسئولانه با مسأله جامعه کثیر القومی افغانستان باز هم ما را بر یک اصل مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر بر میگرداند و آن مربوط میشود به "تعلیم و تربیت اجتماع مبنی بر رعایت و احترام این حقوق و آزادیهای بشری".

در اینجا هدف در آن است که هر قوم و گروه اتنیک جامعه افغانی ما حق دارد با حفظ هویت قومی اش به موجودیت، اصل تاریخی و هویت اقوام دیگر احترام نموده و آنرا بحیث یک حقوق مشروع بدانند.

نباید یک اصل عمده را در این موضوع با اهمیت نا دیده گرفت که هر قومی بخشی انکار ناپذیر از یک ملت واحد اند که در سرزمین مشترک زنده گی میکنند و باید به موجودیت اقوام و روان اجتماعی آنان احترام گذاشت و به حق داشتن به هویت قومی در وجود یک هویت ملی اعتراف نمود و آنرا جز افتخارات ملی دانست. یکی از مباحث مورد جرو بحث های بعضاً به ابتذال کشانیده شده موضوع مهاجرت های اجباری و انتقال از یک محله به محلات دیگر کشور در دوران های گذشته میباشد. در این مورد حقوق بشر حکم مینماید هر شخصی که در یک محل یا خطه تولد یافته، پدر و پدرکلانش باشند همان محل باشند، پرورده همان محل و باشند اصلی آن بوده غیر قبل انتقال تلقی میگردند. زیرا این فرد جسماً و رواناً با خصوصیات جغرافیائی، عرف و سنن و خلاصه با روان اجتماعی همان محل گره خورده است.

زبان

هر گروه اتنیک در یک خطه معین دارای زبان اند که با آن نه تنها داد و ستد و تأمین روابط اجتماعی میکنند بلکه با زبان معین تبادل احساس میکنند و همچنان احساس یکدیگر را به ساده گی درک میکنند. زبان هم یک پدیده تاریخی است. هیچ زبانی را بدون قدامت تاریخی که به هزاران سال میرسد، نمیتوان جستجو نمود. زبان جز هویت قومی و اتنیک است که نظریه محلات یک خطه با لهجه و دیالکت های متفاوت شکل گرفته است. احترام به داشتن و حفظ زبان که فرد در آن پرورش یافته است، انکشاف زبان و سچه نگهداشتن زبان یک حق طبیعی و حق بشری است.

تعلیم و تربیت اجتماع مبنی بر رعایت و احترام به این حق بشری حکم مینماید که هر گروه اتنیک که دارای یک زبان معین اند، حق انکشاف و سچه ساختن زبان خویش را دارند. ولی باید تذکر داد که تغییر در واژه های زبانی و انتخاب نام و تعریف یک زبان نباید موضوع جربحث های مبنی بر اهداف سیاسی بوده، بل در نتیجه تحقیقات و کاوش های دانشمندان بخش ادبیات و فرهنگ، سیمینار ها و کنفرانس های علمی-ادبی در سطح مجامع علمی و اکادمیک صورت گیرد. تجارب مربوط به به بحث کشانیدن روی کاربرد واژه ها و یا انتخاب نام و تعریف زبانها روی اهداف سیاسی نا مشروع و بعضاً در تقابل با مفاهیم ملت واحد، منافع ملی، غرور ملی میتوانند قرار گیرند.

مذهب

جامعه افغانی ما جامعه با مذاهب مختلف نیر دارای مشخصه خاصی اند. مذهب برای هر شخصی معنویت زندگی است که جز روان اجتماعی شناخته میشود. داشتن مذهب و آزادی ادای مناسک مذهبی نه تنها یک حق بشری است بل در قانون اساسی کشور

رسماً مسجل گردیده است. تعلیم و تربیه اجتماعی مبنی بر اصل پذیرفتن جامعه کثیر المذهبی ما و حق داشتن عقیده مذهبی و پذیرفتن آن بحیث یک واقعیت عینی جامعه حکم منماید که هیچ مذهبی را نباید صرفاً از دیدگاه عقیده مذهبی خود مورد نقد و محکومیت قرار داد. عقیده مذهبی در تاریخ بشری عمیق ترین احساس معنویت برای یک انسان است که ارزش، هویت و دیدگاه نسبت به جامعه را برای یک فرد مذهبی تعیین میکند. حق داشتن عقیده مذهبی و احترام به حق داشتن یک مذهب برای افراد دیگر جامعه اصول پایه‌ی حقوق بشری را تشکیل میدهد.

من از نتیجه‌گیری‌های مباحثات و مناظرات روی مسایل مبنی بر هویت قومی، زبانی و مذهبی در وسایل رسانه‌ی و اینترنتی به چند نکته نظر‌های رسیده‌ام که خود را بدان متکی و معتقد میدانم:

- در جامعه افغانی با کثرت اقوام موضوع اقلیت و اکثریت نمیتواند بشکلی مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد که اصل حقوق، عدالت و آزادی‌های بشری را برای اقوام دیگر ساکن در کشور مورد تحدید و تهدید قرار داده اصل ایده ملت واحد، هویت ملی و منافع ملی و معیارهای وطنپرستی را زیر سوال قرار داد.

- جامعه افغانی ما جامعه کثیر القومی است. هر قومی در یک روند تاریخی و در یک خطه تاریخی شکل گرفته و رشد تکامل نموده است. هر فردی جامعه افغانی ما حق دارد به داشته‌ها و ارزش‌های قوم که در آن تولد و پرورش یافته است، افتخار نماید و به عین حق دیگران نیز احترام گذارد.

- هر قومی در افغانستان ریشه و منشه تاریخی دارد. هر فرد کشور باید قوم‌های کشور را از ریشه تاریخی، آن در خطه که در آن انکشاف نموده، ارزیابی نماید.

- زبان‌های مختلفه افغانستان در یک روند طولانی تاریخ رشد و تکامل یافته‌اند. مردمان هر زبان حق دارند زبان خویش را انکشاف دهند و در سچه‌سازی آن همت گمارند و این حق را برای تمام زبان‌های دیگر نیز قایل و بدان احترام گذارند.

- تغیر و تعویض واژه‌ها در یک زبان و یا تغیر نام و صفت یک زبان صرفاً از طریق سمینارها و کنفرانس‌های علمی-ادبی در مجامع علمی و اکادمیک و توسط دانشمندان رشته صورت گیرد.

- انتخاب واژه‌های اصلی در یک زبان در اسناد رسمی مورد استفاده قرار دارند، باید مجاز و عاری از اجبار و حساسیت‌ها باشد.

- هر قومی از اقوام کشور حق دارد به سنن و عنعنات پسندیده خویش افتخار نماید ولی رعایت آنرا بر اقوام دیگر از دید اجبار نبیند.

- هویت مبنی بر قوم، زبان، مذهب و فرهنگ و رسوم و عنعنات پسندیده‌شان باید بحیث داشته‌های پر افتخار ملی و هویت ملی کشور تلقی و بدان احترام و افتخار گردد.

پایان

مقالات قبلی نویسنده در ارتباط با حقوق بشر |

1- حقوق بشر و جرائم حذف فزیزی (قتل‌های سیاسی) بدون پروسه عدلی و قضائی، مارچ 2013

2- روز جهانی حقوق بشر "تجلیل از یک روز زیبا" دسامبر 2013

3- از زدلدلزار پرتعفن خصوصتهای اتنیکی-زبانی تاحقوق مشروع بشری-اجتماعی دریک روند ملت سازی مدرن، جنوری 2014